

خیلواکی



استقلال

www.esteqaal.net

شنبه ۰۳ می ۲۰۲۵

نویسنده: محمد افغانی
ارسالی: انارگل خوستی

جنايات خلقى ها و پرچمى ها در افغانستان



۱- شست و شوى مغزى و لجام دادن افكار

۲- دست بردن به سلاح كشتار

۳- بمباردمان و افزايش كشتار

۴- نقض حقوق بشر بين المللى و قوانين انسانى توسطه كمونيست ها

۵- دستگيرى ها، مفقود الاثرى ها و قتل هاى بدون محكمه

۶- شكنجه و حبس در پلچرخى؛ (و ديگر زندان هاى متعدد در مركز و ولايات)

ليست فوق البته تنها و تنها يك گوشه از تمام جنايات ننگين و بى پايان ارازل و اوباش خلقى-

پرچمى و پادوان خادى شان را بيان داشته است، ورنه اين ننگ نامه سر دراز دارد...

قرار معلوم طرز نوشتن دقيق و درست لغت "ارازل"، "اراذل" است و در لغت نامه ها هم "اراذل" آمده است.

{ معنی کلمه «اراذل» [اذ] (ع ص ، ا) ج. اَرذَل، ناکسان (غیاث اللغات)، زبونان، غوغا، سَفَله، فرومایگان : خصم امائل، فرومایگان و اراذل باشند (کلیله و دمنه). }

پس نظر به این تعریف "غیاث اللغات" و نیز لغت نامه "دهخدا"، اراذل شکل درست آن است، اما به رذیلان خلقی و پرچمی و پادوان خادی- وادی آنان و نیز دنباله روان بی مقدار شان، اگر با "ز" نوشته شود یا با "ذ" به حالت آن بی وجدان های پلید و شرف باخته، هیچ تأثیری نخواهد داشت و آن ضرب المثل مشهور وطنی ما به حال شان صد فیصد صدق میکند و سازگار است، مشعر بر اینکه: " بی غیرت را گفتند در... درخت سبز کرده است، گفت فرقی نمی کند در سایه آن می نشینم"، اگر به گونه ای این ضرب المثل را درست ننوشته باشیم، امید هموطنی ما را متوجه نموده، ممنون سازد. }

برای بستن دفتر جنایات کمونیست ها در افغانستان این شعر را به عنوان خاتمه تقدیم می دارم:

(هرگز نمی گذاریم تا دفتر جنایات خلقی ها و پرچمی ها در وطن محبوب ما، بسته شود. این وظیفه ایمانی و وجدانی هر افغان با شرف است تا نگذارد این دفتر خون و خیانت و جنایت و...، بسته شود.)

این کودتا بنای خودش را بخون نهاد
معماران، به نقشه جهل و جنون نهاد
گرگان هفت ثور
چون تشنگان، به همه حمله ور شدند
بستند دست و پا و بریدند حلقها
از مرد و زن و پیر و جوان هر کسی که بود
از افسران و عسکر و سرباز مملکت...
استاد یا محصل و طلاب مدرسه...
خدمتگذار دفتر و مامور این وطن...
صوفی و شیخ، عالم و یا هر کلان قوم...
دهقان و کارگر و زمیندار و اهل فن...
اطفال خورد مکتب و مسجد ز هر طرف...

اتباع مملکت...

هرگز امان نداشت.

البته این شعر پرمعنی و با مسمی و پرمغز را می توان تا آخر دنیا و لامنتهی یا لایتناهی و یا هم تا قاف قیامت ادامه داد، اما بگفته مشهور "بجنبد زمین و نجنبد گل محمد!". بگذار این قماش افراد در همان بی غیرتی و بی خاصیتی و بی شرافتی خود بمیرند و زمین از گند متعفن شان پاک شود. بگفته سعدی شیرازی:

توکز محنتِ دیگران بی غمی

نشاید که نامت نهند آدمی